



جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

لوح یادبود نخستین شبواره مطبوعات

جناب آقای فرامرز آشنای قاسمی

با تقدیم این لوح یادبود از زحمات و تلاش‌های خالصانه شما

در گسترش نخستین شبواره مطبوعات کشور تقدیر می‌گردد.

امیدوار است در راه اعتدال فرهنگی کشور اسیرمان

موفق و مؤید باشید

علی افضلی
سرپرست سادگرزایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تربیت مدرس

مجموعه آثار فکاهی - طنز

تألیف:

دکتر فرامرز آشنای قاسمی

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس شهید رجایی

از اعضای هیأت تحریریه یا دارای سابقه همکاری با:

گل آقا، طنز پاریسی، خورجین، فکاهیون، اطلاعات، دنیای ورزش، ایران،

خبر جنوب، روز هفتم و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

سر شناسنامه	: آشنای قاسمی، فرامرز، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدید آور	: مجموعه آثار فکاهی - طنز/ فرامرز آشنای قاسمی.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۹۴-۲۸-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شوخی‌ها و بذله‌گویی‌های فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: طنز فارسی - قرن ۱۴
شناسه افزوده	: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی
رده بندی کنگره	: PIR ۴۳۲۷ / آ۵م۳ ۱۳۹۳
رده بندی دیویی	: ۸۴۸/۲۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۵۰۰۸۴۶



دانشگاه تربیت دبیر رجائی

عنوان	: مجموعه آثار فکاهی - طنز
تألیف	: دکتر فرامرز آشنای قاسمی، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی
ویراستار	: دکتر فرامرز آشنای قاسمی
طراح جلد	: عباس مرادی
عکاس	: حسین قاضی
خطاط	: بابک صمدی
چاپ اول	: تابستان ۱۳۹۳
چاپ دوم	: بهار ۱۳۹۸
انتشارات	: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی
لیتوگرافی	: فرانقش
چاپ	: برهان
ناظر چاپ	: محمد معتمدی نژاد
کارشناس و صفحه‌آرا	: نیره فیروزی
شمارگان	: ۵۰۰ جلد
قیمت	: ۲۰,۰۰۰ تومان
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۹۴-۲۸-۶
ISBN:	۹۷۸-۶۰۰-۶۵۹۴-۲۸-۶

کلیه حقوق این اثر برای مؤلفان و مترجمان و دانشگاه تربیت دبیر شهیدرجائی محفوظ است.

نشانی: تهران، لویزان - کد پستی ۱۵۸۱۱-۱۶۷۸۸ - صندوق پستی ۱۶۳ - ۱۶۷۸۵ - تلفن: (۲۶۳۲) ۹ - ۲۲۹۷۰۰۶۰،
 ۲۲۹۷۰۰۷۰، تلفکس: ۲۲۹۷۰۰۴۲، پست الکترونیکی: Publish@sru.ac.ir، وب سایت: http://Publish.sru.ac.ir

بی مقدمہ

می‌خواستم از یکی از دوستانم که پیشکسوت طنز نیز هست تقاضا کنم تا مقدمه‌ای برای این کتاب بنویسد و مسلماً از ایشان تقاضا کنم که ضمن تمجید و تعریف بیش از حد رایج در چنین مقدماتی (مقدمه‌های سابق)، مرا یک جورهایی پدر نوعی از طنز مملکت کند. چون اگر این اتفاق رخ ندهد، ممکن است خواندن این کتاب برای شما چندان دلچسب نگردد. آخر امروزه رسم شده که قدیمی‌های هر زمینه‌ای که از دنیا می‌روند، به نوعی آن عزیزان را پدر یا مادر آن زمینه و یا دست‌کم بخشی از آن زمینه می‌کنند. جالب این‌که بعضی اوقات این القاب تکراری نیز می‌شوند. مثل مادر سینمای ایران که به چند هنرمند خانم پیشکسوت سینمای ایران در پس از فوت‌شان اتلاق شد، یا به طور مشابه، عناوینی چون پدر تأثیر ایران و . . . قابل ذکر است که پس از مدت‌ها جستجو، لقب "پدر مظلوم طنز ایران" (البته "پدر طنز مظلوم ایران" هم فکر کنم بی‌صاحب باشد) را هم برای خودم مناسب یافتم. از مظلومیت هم همین بس که در اوج توانایی، به سبب آن‌که اجازه داده نمی‌شد که با نام و نام فامیل خودم طنز بنویسم، دست از نوشتن برداشتم.

بلی، در جستجوی دوست پیشکسوتی بودم که چنین مقدمه‌ای را برای این کتاب به رشته تحریر درآورد، ولی به هر کدام که تماس گرفتم گوشی‌اش جواب نداد. به قطعه هنرمندان بهشت زهرا که سر زدم، دیدم، یار در خانه و ما گرد جهان می‌گشتیم. بلی این هم یکی از دردسرهای یکی‌یک‌دانه‌های قدیم است. چون دوستان‌شان معمولاً سن پدرشان را دارند، به میانه عمر که می‌رسند، دوستان جان‌جانی‌شان دیگر در قید حیات نیستند.

به هر حال این برگ سبز که فاقد هرگونه تحفه درویش و یا مقدمه‌ای و شامل دو فصل است تقدیم شما سروران گرامی می‌شود. فصل اول شامل زندگینامه هنری و آثار پیشتر چاپ یا پخش شده در رسانه‌های مختلف، همچون "گل‌آقا"، "طنز پارسی"، "فکاهيون"، "خورجین"، "دنیای ورزش"، "اطلاعات"، "خبر جنوب"، "روز هفتم"، "صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران" و برخی رسانه‌هاست که "با نام" و "بی نام" و در مواردی حتی "با نام افرادی به‌جز خودم"، اقدام به ارائه آثارم کرده‌اند. آثاری مانند این کاریکلماتور که چه بسا شما هم آن را متعلق به فرد دیگری به‌جز بنده می‌دانیدش:

شب یلدا، شب‌ترین شب سال است.

فصل دوم نیز مربوط به آثار چاپ نشده‌ام است. این فصل نیز با توجه به ژانر متنوع مطالب، شامل چند بخش است.

در پایان، امید است که این کَشکول مطالب، مقبول نظر شما مهربانان واقع شود. در ضمن، نمی‌دانم الان که این جمله را می‌خوانید من در قید حیات هستم یا خیر؟ با این حال خوشحال می‌شوم نظرات خود را به نشانی پستی الکترونیکی من ارسال نمایید:

faramarz_1347@yahoo.com

مسلماً اگر بیش از یک ماه شد و پاسخی از من دریافت نکردید، شک نکنید که پاسخ جمله سؤالی فوق، به احتمال زیاد مثبت است.

لحظات تان دلیپذیر

دکتر فرامرز آشنای قاسمی

تهران - تابستان ۱۳۹۳

فهرست

صفحه	عنوان
فصل اول	
۱	زندگینامه هنری و برخی آثار چاپ یا اجرا شده
۵	۱-۱ همکاری با دنیای ورزش
۱۳	۲-۱ همکاری با فکاهیون
۱۷	۳-۱ همکاری با خورجین
۲۱	۴-۱ همکاری با گل آقا
۵۳	۵-۱ همکاری با اطلاعات
۶۵	۶-۱ همکاری با ایران
۷۱	۷-۱ همکاری با طنز پارسی
۷۷	۸-۱ همکاری با روز هفتم
۸۳	۹-۱ همکاری با خبر جنوب
۹۷	۱۰-۱ همکاری با صدا و سیما
فصل دوم	
۱۰۳	آثار چاپ یا اجرا نشده
۱۰۷	۱-۲ قوانین مورفی مدرن
۱۱۹	۲-۲ از دفترچه خاطرات یک دیوانه سابق
۱۲۷	۳-۲ سخن ژرف
۱۳۳	۴-۲ شهر هرت
۱۴۱	۵-۲ درد دل
۱۴۹	۶-۲ کاریکلماتور
۱۵۵	۷-۲ نوشت‌برگه‌های امتحانی
۱۶۵	۸-۲ داستان کوتاه
۱۷۹	یاد ایام

فصل ۱

زندگینامه هنری و برخی آثار چاپ یا اجرا شده

من متولد ۲۰ تیر سال ۱۳۴۷ شمسی (خورشیدی سابق) معادل با ۱۱ جولای ۱۹۶۸ هستم. البته برای آن که یک سال زودتر به مدرسه بروم، شناسنامه‌ام را چند ماه بزرگ کردند. لذا تاریخ تولد شناسنامه‌ای من ۲ فروردین ۱۳۴۷ است. حالا این چه داستانی است که تاریخ واقعی تولد را در انتهای شناسنامه می‌نوشتند اما وزارت آموزش و پرورش آن زمان، کاری به تاریخ واقعی صفحه آخر نداشته و معیارش تاریخ جعلی صفحه اول شناسنامه بوده، و... اعلم.

تا یادم نرفته باید خدمت‌تان عرض کنم که، هدف من از نوشتن این زندگینامه فراهم نمودن یک مرجع برای افرادی است که ممکن است بخواهند در سالهای پس از زندگی (یا به غلط، سالهای پس از مرگ) من، در زمینه طنز تحقیقی انجام بدهند و احياناً برخی کارهای بنده توجه‌شان را جلب کند. لذا بخواهند اطلاعاتی درباره نویسنده آن مطالب کسب نمایند. حال چون نه سطح کارهای من بالا و نه استمرار طنزنویسی‌ام طولانی بوده است، تازه از بدتر از آن، عرضه و توان بده و بستان و فهم و درک روابط مناسب را هم زیاد نداشته‌ام، بعید می‌دانم افراد مزبور در صورت عدم نوشتن این سطور، چیز قابلی دستگیرشان می‌شد (چه بسا الان هم نشود). امید است این مختصر، اندک کمکی برای محققان زمینه طنز باشد. بگذریم از این که، تقاضای برخی از همکارن، دانشجویان و دوستانم، برای مطالعه آثارم در این راستا نیز بی‌تأثیر نبوده است.

البته، اگر قرار تنها به نوشتن زندگینامه طنزم می‌بود، این مجموعه در حد چاپ یک کتاب نمی‌شد، تصمیم گرفتم که منتخبی از آثار چاپ شده و نشده‌ام را نیز در داخل آن قرار بدهم. ابتدا دوست داشتم کپی آثارم را در این مجموعه بگذارم تا حالت سندیت این نوشتار بیشتر بشود، اما به علت پایین بودن کیفیت اسناد موجود ترجیح دادم این آثار را تایپ کنم. در همین راستا برخی از ایرادات تایپی و تغییرات تحمیلی را نیز از روی آثارم حذف کردم. لذا شما اکنون این آثار را همان‌گونه‌ای می‌خوانید که من مایل بودم خوانده شوند.

مبنای نوشتن این زندگینامه، تقریباً بر اساس اولویت زمانی است. در این راستا نیز تلاش کرده‌ام که در صورت لزوم، مطالبی در حاشیه آثارم بنویسم که شما را با موقعیت زمانی آن آثار بیشتر آشنا کند. زیرا یکی از اشکالات مطالب ژورنالیستی، وابستگی شدید آنها به زمان و مکان رخداد آنهاست. به نحوی که اگر خواننده چنین مطالبی، با موقعیت مکانی و زمانی آن رخداد

آشنایی نداشته باشد، شاید چیز زیادی را نتواند از آن اثر درک کند. به عنوان مثال خود شما ممکن است تا کنون داستان و یا نمایشنامه‌هایی را از "آنتوان چخوف"، نویسنده مشهور روس خوانده، شنیده یا دیده باشید. اما بعید میدانم تاکنون مقاله‌ای را از میان ده‌ها مقاله‌ای که وی نوشته است خوانده باشید. این همان برتری ادبیات داستانی بر ادبیات ژورنالیستی است. عموماً ادبیات ژورنالیستی در کوتاه‌مدت اثرگذارتر است و ادبیات داستانی در درازمدت.

آشنایی من با طنز، مثل خیلی از خود شما از طریق خانواده و رادیو و تلویزیون (صدا و سیمای لاحق) بوده است. البته نشریات هم در این امر دخیل بودند. شدت علاقه من به حدی بود که در سن ۱۳ یا ۱۴ سالگی شروع به جمع‌آوری آثار طنز نشریات مختلف در داخل یک دفتر کردم. در آن ایام شاید هیچ‌گاه نمی‌توانستم تصور کنم که روزی خودم هم بتوانم آثاری بنویسم که در نشریات کشور قابل چاپ باشند.

یکی از ویژگی‌های من این است که وقتی زیاد داخل یک موضوع می‌شوم، توانایی تکرار و تولید مشابه آن را پیدا می‌کنم. این اتفاق در زمینه طنز نیز برای من رخ داد. آن‌قدر خواندم و خواندم، تا بالاخره نوشتم. البته اولین نوشته‌های من آن‌قدر سطح پایین بودند که نه تنها ارزش چاپ نداشتند، بلکه ذکرشان در اینجا هم فکر نمی‌کنم لطفی داشته باشد. البته چون شما ممکن است روی این مساله کنجکاو شده باشید و من حسب شغلم (تدریس در دانشگاه) به کنجکاوای افراد احترام می‌گذارم، اولین اثر نوشته شده توسط خودم را که در هیچ جایی چاپ نشده، همین‌جا برای شما ارائه می‌کنم:

تاریخ ازدواج را تنها خانمهاست که هیچ‌گاه از یاد نمی‌برند.

نمی‌دانم برای شروع خوب بود یا نه، ولی برخلاف این مثل که شروع‌ها همیشه شیرینند، شروع کار نویسندگی من با چنین مطلب لوسی شروع شد. اما فعالیت نیمه‌حرفه‌ای و سپس حرفه‌ای با مطبوعات از چند سال بعد آغازید که ذیلاً طی بخشهای مختلف این کتاب بدان پرداخته می‌شود.